

پانیوم — نمبر سات

دانیال ۱۱ آشکار شده: خطوط نبوی از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه

Jeff Pippenger

2025-03-15

ما بر آنیم که تمامی خطوط دانیال یازدهم را در پیوند با تاریخ پنهان آیهٔ چهل، که نمایانگر ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه در ایالات متحده است، به هم آوریم. دعوت ما، به عنوان دانشجویان نبوت، آن است که کلام حق را به درستی تقسیم کنیم.

کوشش کن که خویشتن را مقبول خدا ظاهر سازی، چون کارگری که راستی را درست تقسیم می‌کند و نیازی ندارد شرمسار گردد؛ کلام حق را به درستی بیان می‌نماید. دوم تیموتاؤس ۱۵:۲

دانیال باب یازدهم را می‌توان به ده خط نبوی تقسیم کرد. آیات یک تا چهار نمایانگر یک خط نبوی است. آیات پنج تا نه نمایانگر خط دوم است. آیهٔ ده نمایانگر خط سوم است. آیات یازده و دوازده نمایانگر خط چهارم است. خط پنجم آیات سیزده تا پانزده است. خط ششم آیات شانزده تا بیست و دو است. خط هفتم آیات بیست و سه و بیست و چهار است. از آیهٔ بیست و چهار تا آیهٔ سی و یک، خط هشتم است. از آیهٔ سی و یک تا چهل، خط نهم است، و خط دهم و نهای آیات چهل تا چهل و پنج است. این ده خط باید خط بر خط با یکدیگر گرد آورده شوند.

او علم را به که خواهد آموخت؟ و فهم تعلیم را به که خواهد رسانید؟ به آنان که از شیر بازداشته شده‌اند و از پستان‌ها گرفته شده‌اند.

زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی:

زیرا با لب‌های الکن و به زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به ایشان گفت: «این است آن آرامشی که بدان می‌توانید خسته را بیارامانید؛ و این است آن آسودگی.» با این همه، نخواستند بشنوند.

بل کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم بود، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ این‌جا اندکی و آن‌جا اندکی؛ تا بروند، و به عقب افتند، و شکسته شوند، و در دام گرفتار آیند، و گرفته شوند. اشعیا ۲۸-۹:۱۳

البته هر یک از ده خط نبوی با یکدیگر مرتبط‌اند، اما در درون هر خط می‌توان موضوعی خاص را بازشناخت. هرچند هر خط دارای موضوعی اصلی است، این خطوط بیش از یک شهادت یگانه در خود دارند. قصد دارم هر یک از موضوعات این ده خط را مشخص سازم.

سطر اول

اور من نیز در سال نخست داریوش مادی ایستادم تا او را تأیید و تقویت کنم. و اکنون حقیقت را به تو خواهم نمود. اینک هنوز سه پادشاه دیگر در فارس برخاوند خاست؛ و چهارمین از همهٔ آنان بسی دولتمندتر خواهد بود؛ و او به نیروی ثروت خویش همگان را بر ضد مملکت یونان برخاوند انگیخت. و پادشاهی زورآور برخاوند خاست که با سلطنتی عظیم فرمان خواهد راند و بر وفق ارادهٔ خویش عمل خواهد کرد. و چون برخیزد، مملکتش شکسته خواهد شد و به سوی چهار باد آسمان تقسیم خواهد گردید؛ اما نه به ذریت او، و نه بر وفق سلطنتی که فرمان رانده بود؛ زیرا مملکت او برکنده خواهد شد و به دیگران، غیر از آنان، خواهد رسید. دانیال ۱۱:۴-۴

نخستین سال داریوش پایان هفتاد سال را رقم می‌زند، و بدین‌سان زمانی نبوی از آخرالزمان را مشخص می‌سازد. تا آیه سه، اسکندر کبیر پادشاهی جهانی خویش را برپا می‌کند، و در آیه چهار پادشاهی او می‌بایست از جا کنده شده، به چهار باد تقسیم گردد. به کار گرفتن داریوش به‌عنوان زمان آخر در سال 1989 به ما امکان می‌دهد پادشاهانی را که در آیه دو بازنمایی شده‌اند، بشماریم. هنگامی که جبرئیل در آیه یک می‌گوید: «و نیز در سال اول داریوش»، او در حقیقت آنچه را که در آغاز رؤیا، که از فصل ده آغاز شد، به دانیال آگاهانیده بود، پی می‌گیرد.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که بلطشصر نامیده می‌شد مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، لیکن مدت مقرر دراز بود؛ و او آن امر را دریافت و رؤیا را فهم کرد. دانیال ۱۰:۱.

نشأته الطريق التي تُمَثَّل «وقت النهاية» تشتمل على رمزين. وكان «وقت النهاية» في الخط النبوي لموسى هو ميلاد هارون، ثم تلاه بعد ثلاث سنوات ميلاد موسى. وهارون وموسى هما الرمز المزدوج لـ «وقت النهاية» في تاريخهما، ويجسّدان على نحو نموذجي ميلاد يوحنا المعمدان ثم ميلاد يسوع بعد ذلك بستة أشهر. وأما «وقت النهاية» في سنة 1798 فقد تميز بأسر بابا روما، الذي مات بعد ذلك في الأسر سنة 1799. ومن «السنة الأولى لداريوس المادي» إلى «السنة الثالثة لكورش ملك فارس»؛ يمثّل داريوس وكورش «وقت النهاية» في سنة 1989، لأن جميع الأنبياء إنما يتكلمون عن الأيام الأخيرة أكثر مما يتكلمون عن الأيام التي عاشوا فيها.

اکنون تمامی این امور برای ایشان به‌عنوان نمونه‌ها واقع شد؛ و برای تنبیه ما نوشته شده است، ما که پایان‌های عالم بر ما رسیده است. اول قرتیان 10:11.

داریوش و کورش در سال 1989 نمایانگر رونالد ریگان و جورج بوش پدر هستند. هر دو در آن سال رئیس‌جمهور بودند. آیه نخست باب یازدهم، رؤیا را در سال سوم کورش قرار می‌دهد، که نمایانگر جورج بوش پدر خواهد بود؛ همان‌گونه که کورش پس از داریوش آمد، او نیز پس از ریگان آمد. آیه دوم بیان می‌کند که هنوز سه پادشاه به پا خواهند خاست، و چهارمین از همه آنان بسیار دولتمندتر است. «زمان آخر» نهایه در باب یازدهم از سال 1989 آغاز می‌شود و نشان می‌دهد که پس از جورج بوش پدر، هنوز سه پادشاه به پا خواهند خاست؛ و بدین‌سان سه رئیس‌جمهوری را که پس از بوش پدر آمدند مشخص می‌سازد. آن سه پادشاه بیل کلینتون، جورج بوش پسر، باراک اوباما بودند، و سپس ثروتمندترین رئیس‌جمهور، دونالد ترامپ، که «به قوت خود» و «به واسطه دولت خویش، همه را بر ضد مملکت یونان برخااهد انگیخت».

آیه سوم سپس اسکندر کبیر را معرفی می‌کند و از این‌رو، نماد آخرین رهبر سازمان ملل متحد است که در ایام آخر با پایتت متحد می‌شود، اما او نیز همچون پایتت به پایان خود می‌رسد. سازمان ملل متحد همان پادشاهی هفتم است که در مکاشفه هفده به صورت ده پادشاه نشان داده شده است، و هم‌پیمانی ده پادشاه موافقت می‌کنند که پادشاهی هفتم خود را برای یک ساعت نمادین به وحش پاپی بسپارند.

و آن ده شاخی که دیدی، ده پادشاه‌اند که هنوز پادشاهی نیافته‌اند؛ لیکن با آن وحش، برای یک ساعت، اقتدار چون پادشاهان می‌یابند. اینان یک رأی دارند و قدرت و توان خویش را به وحش می‌سپارند. اینان با بره جنگ خواهند کرد، و بره بر ایشان غالب خواهد آمد؛ زیرا او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است؛ و آنان که با اویند، خوانده‌شدگان و برگزیدگان و امینان‌اند. مکاشفه

۱۷:۱۳-۱۴

آن ده پادشاه در آیات سه و چهار به تصویر کشیده شده‌اند، و نیز در تاریخ عروج و سقوط اسکندر کبیر که آن آیات را در قرن چهارم محقق ساخت. یونان سومین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است و نماد اژدها، یعنی یک‌سوم اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب، به شمار می‌آید. بر صلیب، عبارت

«پادشاہ یھود» بہ زبان ہای عبری، لاتینی و یونانی نگاشته شد؛ کہ نمایانگر یھودیان، رومیان، و باقی انبویہ مردمان دیگر ملتہایی بود کہ در عید فیصح در اورشلیم حضور می داشتند۔ یونانیان نمایندہ اژدہا هستند، رومیان نمایندہ وحش هستند، و یھودیان نبی کاذب بودند۔

پہ یوولسم فصل کہ لومری خلور آیتونہ د ہغہ خ مکنی اژدہایی خواک پای پہ گوتہ کوی چہ، کلہ چہ د انسانو د ازمبنت مودہ پای تہ رسبری، لہ پاپی خواک سرہ زنا کوی۔ دریم او خلورم آیتونہ د خ مکنی اژدہایی خواک د وروستی خرگندونپ وروستنی راختل او سقوط پہ گوتہ کوی۔ دغہ آیتونہ لہ وروستیو شپرو آیتونو سرہ پریو بل ای بنوول شوی دی، ہغہ آیتونہ چہ د ہغہ خناور پای پہ گوتہ کوی چہ د خ مکہ لہ پاچاھانو سرہ زنا کوی۔ د یوولسم فصل پیل او پای ہغہ تاریخ پہ گوتہ کوی چہ پہ ہغہ کہ د خدای دین منان خپل انجام تہ رسبری او ہب خ مرستہ کوونکی نہ لری۔ لومری خلور آیتونہ لہ وروستیو شپرو آیتونو سرہ سمون لری، او پہ دے توگہ د لسو حکمونو سمبولیزم لری: یوہ لوحہ د لومریو خلورو حکمونو او بلہ لوحہ د وروستیو شپرو حکمونو سرہ؛ او پہ عین حال کہ د لس شمہری پہ وسیلہ د ازمبنت سمبول ہم دی۔

نخستین چہار آیہ، آغازی را بہ تصویر می کشند کہ پایان را نشان می دھد، و در عین حال پیام را چنین استوار می سازند کہ از «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹ آغاز می شود۔ این آیات نمایانگر دورہای از ۱۹۸۹ تا پایان مہلت آزمایش بشر هستند؛ از این رو، پیام شش آیہ پایانی را بہ صورت خلاصہ بیان می کنند، یعنی همان افزایش معرفتی کہ در سال ۱۹۸۹ مہرگشایی شد و رویدادہای مربوط بہ پایان مہلت آزمایش را مشخص می سازد۔

این آیات تکیہ گاہ نبوی را فراھم می آورند تا شناختہ شود کہ از سال ۱۹۸۹، در مجموع ہشت رئیس جمہور وجود خواھد داشت، و ہشتمی از میان ہفت رئیس جمہور پیشین خواھد بود؛ بدین سان این بخش را با معمای «ہشتمی کہ از آن ہفت است» بہ ہم پیوند می دھد، کہ ویژگی ای نبوی است و در ایام آخر، حقیقت حاضر بہ شمار می آید۔

مضمونی کہ از این آیات می توان دریافت، نابودی نہایی قدرت اژدہاست کہ با فاحشہ صور زنا می کند۔ فاحشہ با ہمہ پادشاھان زمین زنا می کند، اما همان گونہ کہ فرانسه باستان ہنگامی کہ کلوویس در سال 496 تخت خود را بہ پایتت وقف کرد، نخست زادہ کلیسای کاتولیک شد، بہ همان سان نیز وحش زمینی ایالات متحدہ در قانون یکشنبہ نخستین پادشاھانی خواھد بود کہ با آن فاحشہ زنا می کنند۔ همان گونہ کہ در شش آیہ پایانی، چہار آیہ آغازین ہر سہ قدرتی را کہ جہان را بہ آرماگدون رھنمون می سازند شناسایی و برجستہ می کند، با این حال مضمون چہار آیہ نخست، قدرت اژدہاست کہ بہ وسیلہ یونان و اسکندر کبیر نمایاندہ شدہ است۔

رونالد ریگن فرایند ہشت رئیس جمہور را آغاز کرد؛ فرایندی کہ اکنون بہ آخرین آن ہشت رئیس جمہور انجامیدہ است۔ رئیس جمہور ہشتم، تمثال وحش را برپا خواھد کرد و در ایالات متحدہ قانون یکشنبہ را بہ اجرا خواھد گذاشت، و ہم زمان نیز ترتیبی را میانجی گری و منعقد خواھد کرد کہ او را رئیس سازمان ملل متحد می سازد؛ سازمانی کہ در همان نقطہ وارد رابطہای جہانی میان کلیسا و دولت خواھد شد، تحت پوشش حل و فصل جنگ افروزی فزاینده اسلام افراطی۔

وحی کتاب مقدس کے تیرھویں باب کی «زمینی درندہ» یعنی ریاستہائے متحدہ امریکہ کا، بائبل نبوت کی چھٹی مملکت ہونے سے بائبل نبوت کی ساتویں مملکت کے سر تک منتقلی، جبکہ وہ بائبل نبوت کی آٹھویں مملکت کے ساتھ اپنے غیرقانونی تعلق کو پایۂ تکمیل تک پہنچا رہی ہے، پہلی آیت سے—جو 1989 کی نشان دہی کرتی ہے—ان صدور کے ذریعے واضح کی گئی ہے جو ریاستہائے متحدہ میں اتوار کے قانون تک لے جاتے ہیں، اور پھر فوراً ہی اس زورآور بادشاہ کے برپا ہونے کی نشان دہی کرتی ہے۔ وہ زورآور بادشاہ ٹرمپ ہے، جو اقوام متحدہ پر اختیار سنبھال رہا ہے، جسے وہ اب اپنے مطالبات سے پیش تر

تحلیل کرنے کے عمل میں ہے۔

سطر دوم

آیات پنج تا نہ، نخستین اشاره و تصویرسازی جزء به جزء از نبرد میان پادشاهان شمال و جنوب را نشان می‌دهد؛ نبردی که سراسر این فصل از آن به عنوان پس‌زمینه اصلی نبوی بهره می‌گیرد. آیه پنج، مضمون این بخش را بیان می‌کند.

و پادشاه جنوب نیرومند خواهد شد، و یکی از امیران او نیز؛ و او بر وی فائق خواهد آمد و فرمانروایی خواهد کرد؛ و فرمانروایی او، فرمانروایی‌ای عظیم خواهد بود. دانیال ۱۱:۵.

بطليموس اول سوتر و سلوکوس اول نیکاتور در این آیه به تصویر کشیده شده‌اند. هر دو، یک‌چهارم «دیادوخی» (به معنای جانشین) پادشاهی اسکندر بودند. سلوکوس نخستین «پادشاه شمال» در فصل یازدهم است، و در هماهنگی با روم بت‌پرست، روم پاپی، و روم جدید—سلوکوس تنها پس از سه پیروزی اصلی یا رویداد سرنوشت‌ساز به عنوان پادشاه نبوی شمال استقرار یافت: بازپس‌گیری بابل در ۳۱۲ پیش از میلاد، نبرد ایپسوس در ۳۰۱ پیش از میلاد، و نبرد کوروپدیوم در ۲۸۱ پیش از میلاد. این تحرکات، رقبای اصلی او را شکست داد، امپراتوری‌اش را گسترش بخشید، و سلطه‌اش را در آن منطقه استحکام بخشید.

سطر دوم با شناسایی پادشاهان شمال و جنوب، در تمایز از هر یک از دیگر جانشینان (Diadochi) پادشاهی تقسیم‌شده اسکندر، آغاز می‌شود. این سطر با این شناسایی آغاز می‌شود که پادشاه شمال تنها پس از سه فتوحات به اقتدار می‌رسد. سپس در تاریخ کشاکش فرمانروایی که پس از مرگ اسکندر در آیات شش تا نه آشکار شد، دوره‌ای را مشخص می‌سازد که با سرنگونی پادشاه شمال به دست پادشاه جنوب پایان می‌پذیرد. این نخستین سه بار در فصل یازدهم است که پادشاه جنوب بر پادشاه شمال غلبه می‌یابد. این سه، در درون همان فصل، سه شاهد داخلی فراهم می‌آورند که به روشنی نشانه‌های راه تاریخ را که به شکست پادشاهی از شمال به دست پادشاهی از جنوب می‌انجامد، تثبیت می‌کند.

اور پادشاه جنوب نیرومند خواهد شد، و یکی از سرداران او نیز؛ و او از وی نیرومندتر خواهد شد و سلطنت خواهد کرد؛ و سلطنت او، سلطنتی عظیم خواهد بود. و در پایان سال‌ها با یکدیگر متحد خواهند شد؛ زیرا دختر پادشاه جنوب نزد پادشاه شمال خواهد آمد تا مصالحه‌ای برقرار سازد؛ اما او قوت بازو را نگاه نخواهد داشت؛ نه او پایدار خواهد ماند و نه بازویش؛ بلکه او تسلیم خواهد شد، و آنان که او را آورده بودند، و آن که او را زاییده بود، و آن که او را در آن ایام تقویت می‌کرد. اما از شاخه‌ای از ریشه‌های او، یکی در مقام او برخواید خاست، که با لشکری خواهد آمد و به دژ پادشاه شمال داخل خواهد شد، و بر ضد ایشان عمل خواهد کرد و غالب خواهد آمد؛ و نیز خدایان ایشان را با امیرانشان و با ظروف گرانهای نقره و طلای ایشان، به اسارت به مصر خواهد برد؛ و او سال‌هایی بیش از پادشاه شمال پایدار خواهد ماند. پس پادشاه جنوب به مملکت خود خواهد آمد و به سرزمین خویش بازخواهد گشت. دانیال ۱۱:۵-۹

تحققُ الآيات تاريخياً يقدّم النموذجَ للتحقق النبويّ للألف ومئتين وستين سنة من الحكم البابوي المحددة في الآيات الحادية والثلاثين إلى الأربعين، كما يقدّم النموذج النبويّ لتحقيق الآية الحادية عشرة، التي تحققت أولاً سنة 217 ق.م. في معركة رافيا. وهذه الشواهد الثلاثة تحدد خصائص الحرب الأوكرانية، حيث سيتغلب بوتين، الملك الأخير للجنوب، على الجيش الوكيل لملك الشمال البابوي.

مضمون السطر الثاني من التاريخ النبوي هو الكيفية التي أنزلت بها إلى البابوية الضربة المميتة سنة 1798، كما تمثلها الآيات من خمسة إلى تسعة، ومعركة رافية في الآية الحادية عشرة. أمّا ملك

الجنوب، الذي هو مصر، فهو قوة التنين.

اے ابن آدم، اپنا رُخِ فرعون، مصر کے بادشاہ، کے خلاف کر، اور اُس کے خلاف اور تمام مصر کے خلاف نبوت کر۔ کلام کر اور کہہ، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: دیکھ، اے فرعون، مصر کے بادشاہ، میں تیرے خلاف ہوں، اے اُس بڑے اڑیے، جو اپنے دریاؤں کے بیچ پڑا رہتا ہے، جس نے کہا ہے، میرا دریا میرا اپنا ہے، اور میں نے اُسے اپنے لیے بنایا ہے۔ حزقی ایل 2:29، 3۔

سہ تصویر از چیرگی پادشاہ جنوب بر پادشاہ شمال در باب یازدہم، در کنار یکدیگر، سقوط نہایی پادشاہ شمال را در آیہ چهل و پنج مشخص می سازند.

او خیمہ های قصر خود را میان دریاها، بر کوه مقدّس جلال، برپا خواهد کرد؛ اما به پایان خود خواهد رسید، و هیچ کس او را یاری نخواهد کرد. دانیال 11:45.

در فصل یازدہم سہ سطر وجود دارد کہ پادشاہی از جنوب را در حال شکست دادن پادشاہی از شمال بہ تصویر می کشند؛ اما ہنگامی کہ پادشاہ شمال بہ انجام خود می رسد و هیچ کس او را یاری نمی دہد، این امر چندان آشکار نیست. لیکن کتاب مکاشفہ نشان می دہد کہ این قدرت اژدہاست کہ او را فرو می افکند، بہ این گونه کہ گوشتش را می خورد و او را بہ آتش می سوزاند. ہنگامی کہ قدرت اژدہا از کتاب مکاشفہ شناختہ شود، می توانیم پادشاہان را نیز ببینیم کہ همان اژدہا ہستند و نیز همان پادشاہ جنوب کہ در آیہ چهل و پنج پادشاہ شمال را فرو خواہند افکند. سہ شاہد مستقیم در این فصل وجود دارد کہ ہمگی بر تحقق کامل خود، آن گونه کہ از طریق پیوند میان کتاب های دانیال و مکاشفہ نمایان شدہ است، شہادت می دہند.

پادشاہ شمال پاپی معاصر در آیہ چهل و پنج بہ پایان خود می رسد و هیچ کس او را یاری نمی کند، و کتاب مکاشفہ مشخص می سازد کہ قدرت پاپی چگونہ بہ دست قدرت اژدہا بہ پایان خود می رسد.

اور دس سینگ جو تونے اُس حیوان پر دیکھ، یہ فاحشہ سے عداوت رکھیں گے، اور اُسے اُجاڑ اور ننگا کر دیں گے، اور اُس کا گوشت کھا جائیں گے، اور اُسے آگ سے جلا دیں گے۔ کیونکہ خدا نے اُن کے دلوں میں یہ ڈال دیا ہے کہ اُس کی مرضی پوری کریں، اور ایک رائے ہو جائیں، اور اپنی بادشاہی اُس حیوان کے حوالے کر دیں، جب تک کہ خدا کی باتیں پوری نہ ہو جائیں۔ مکاشفہ 17:16، 17۔

دہ پادشاہ، پادشاہ پاپی شمال را با آتش می سوزانند و گوشت او را می خورند. پادشاہان ایام آخر، قدرت اژدہا ہستند.

«پادشاہان و فرمانروایان و والیان، نشانِ ضدّ مسیح را بر خود نہادہ اند، و بہ صورت اژدہایی بہ تصویر کشیدہ شدہ اند کہ می رود تا با مقدّسان—با آنان کہ احکام خدا را نگاہ می دارند و ایمان عیسی را دارند—جنگ کند. آنان در دشمنی خود با قوم خدا، خویشتن را ہمچنین در انتخاب باراباس بہ جای مسیح مجرم نشان می دہند.» Testimonies to Ministers, 38.

آن دہ پادشاہ همان قدرت اژدہا ہستند، کہ ہمچنین بہ وسیلہ پادشاہی یونان و اسکندر نمود یافتہ است. آن پادشاہان، پادشاہان جنوب اند، زیرا بہ وسیلہ فرعون، پادشاہ مصر، نمایانہ شدہ اند. ایشان گوشت او را خواہند خورد، زیرا ایشان ہمچنین «سگان» نبوی اند کہ مزمور نویس آنان را «جماعت شیران» می خواند.

زیرا سگان مرا احاطہ کردہ اند؛ جماعت شیران مرا در میان گرفتہ اند؛ دست ها و پاہایم را سوراخ کردہ اند. می توانم ہمہ استخوان هایم را بشمارم؛ آنان بہ من می نگرند و خیرہ می شوند. جامہ هایم را در میان خود تقسیم می کنند، و بر لباس من قرعہ می اندازند. مزمور ۱۸-۱۶:۲۲.

پاپیت در آیه چهل و پنج پادشاه شمال است، و پاپیت در کلیسای طیاتیرا به وسیله ایزابل نمادین شده است.

لیکن مجھے تجھ سے چند باتوں کی شکایت ہے، اس لیے کہ تُو اُس عورت ایزبل کو، جو اپنے آپ کو نبیہ کہتی ہے، میرے بندوں کو تعلیم دینے اور گمراہ کرنے دیتی ہے تاکہ وہ زنا کریں اور بتوں کے لیے قربان کی ہوئی چیزیں کھائیں۔ اور میں نے اُسے مہلت دی کہ وہ اپنے زنا سے توبہ کرے، مگر اُس نے توبہ نہ کی۔ دیکھ، میں اُسے بستر بیماری میں ڈال دوں گا، اور اُن کو بھی جو اُس کے ساتھ زنا کرتے ہیں، سخت مصیبت میں، اگر وہ اپنے اعمال سے توبہ نہ کریں۔ مکاشفہ 2:20-22.

دا د ایزابل قضا ہفہ وخت پورہ کپری کلہ چپ سپی یپ و خوری.

و خداوند نیز درباره ایزابل سخن گفت و فرمود: «سگھا ایزابل را نزد حصار یزرعیل خواهند خورد.» ۱ پادشاہان ۲۱:۲۳.

سگھا روم بت پرستاند، همان قدرت اژدها؛ زیرا این روم بت پرست بود کہ مسیح را مصلوب کرد.

«در رنجهای مسیح بر صلیب، نبوت به انجام رسید. قرن‌ها پیش از مصلوب شدن، نجات‌دهنده رفتاری را کہ قرار بود با او شود، پیشگویی کرده بود. او گفت: "سگان مرا احاطه کرده‌اند؛ جماعت شیران مرا در میان گرفته‌اند؛ دست‌ها و پاها را سوراخ کرده‌اند. همه استخوان‌هایم را می‌توانم بشمارم؛ آنان به من می‌نگرند و خیره می‌شوند. جامه‌هایم را در میان خود تقسیم می‌کنند، و بر لباس من قرعه می‌اندازند." مزمور 22:16-18. نبوت مربوط به جامه‌های او، بدون مشورت یا دخالت دوستان یا دشمنان آن مصلوب، تحقق یافت. جامه‌های او به سربازانی داده شد کہ او را بر صلیب نهاده بودند. مسیح جدال آن مردان را آنگاه کہ جامه‌ها را میان خود تقسیم می‌کردند، شنید. ردای او سراسر یکپارچه و بی‌درز بافته شده بود، و آنان گفتند: "آن را پاره نکنیم، بلکه بر آن قرعه بیندازیم تا از آن چه کسی شود." آرزوی اعصار، 746.

آن ده پادشاه، کہ همان سگان‌اند، کہ همان جماعت شیران‌اند، کہ همان یونان و مصر هستند، نیز فاحشه را با آتش خواهند سوزانید.

و دختر هر کاهن، اگر خویشان را به زنا آلوده سازد، پدر خود را بی‌حرمت می‌گرداند؛ او باید به آتش سوزانیده شود. لاویان ۲۱:۹.

آن ده پادشاه فاحشه را با آتش می‌سوزانند، زیرا او ادعا می‌کند کہ کاهنه است، اما فاحشه است.

و در آن روز واقع خواهد شد کہ صور هفتاد سال، بر حسب ایام یک پادشاه، به فراموشی سپرده خواهد شد؛ و پس از پایان هفتاد سال، صور همچون فاحشه‌ای خواهد سربید. بربطی برگیر، در شهر بگرد، ای فاحشه‌ای کہ به فراموشی سپرده شده‌ای؛ نغمه‌ای دلنشین بنواز، سرودهای بسیار بخوان، تا به یاد آورده شوی. و واقع خواهد شد کہ پس از پایان هفتاد سال، خداوند به صور توجه خواهد فرمود، و او به مزد خویش بازخواهد گشت، و با همه ممالکت جهان بر روی زمین زنا خواهد کرد. اشعیا ۱۷:۱۵-۱۷.

در آیات پنج تا نه، و نیز آیات سی و یک تا چهل، گواهی می‌یابیم کہ پاپیت به دست قدرت اژدها به پایان خود می‌رسد. این اصل همچنین اکنون در جنگ اوکراین در حال تحقق است. این سه شاهد به ما اعلام می‌کنند کہ هنگامی کہ پادشاه شمال در آیه چهل و پنج به پایان خود برسد و هیچ‌کس برای یاری او نباشد، اژدها گوشت او را خواهد خورد و او را با آتش خواهد سوزانید. بر پایه سه شاهد، انگیزه اقدام اژدها شامل عهدی شکسته نیز خواهد بود.

در آیات پنج تا نہ، جنگ دوم سوری با معاہدہ ای در سال ۲۵۳ پیش از میلاد پایان یافت۔ این جنگ در سال ۲۶۰ پیش از میلاد آغاز شدہ بود، و ہفت سال پس از آغاز جنگ دوم سوری، پادشاہ جنوب با دادن دختری بہ پادشاہ شمال، تا او با دختر پادشاہ جنوب ازدواج کند و از طریق این اتحاد زناشویی صلح برقرار شود، معاہدہ ای صلح را بہ انجام رساند۔ ہفت سال پس از این ازدواج، در سال ۲۴۶ پیش از میلاد، پادشاہ شمال عروس جنوبی را کنار گذاشت و ہمسر نخستین خود را، کہ ہنگام ازدواج با شاہدخت مصری او را کنار نہادہ بود، بازگردانید۔ انگیزہٗ پادشاہ جنوب برای یورش بہ پادشاہی شمال و بہ اسارت گرفتن پادشاہ شمال، نقض شدن یک معاہدہ بود۔

تجسّدتِ المعاهدۃ المنقوضۃ فی معاہدۃ تولنتینو المنقوضۃ سنۃ 1797، الّتی زوّدت نابلیون بالدافع إلی أسر البابا سنۃ 1798، کما فعل بطليموس بسلوقس سنۃ 246 ق.م. ولمّا عاد بطليموس الثالث إلی مصر من انتصاره علی الإمبراطوریۃ السلوقیۃ الشمالیۃ التابِعۃ لسلوقس الثانی، جلب إلی مصر من الكنوز مقداراً عظیماً حتّی إن المصريين منحوا بطليموس الثالث لقب «إیورجیتیس» (ومعناه: المحسن)، لأنہ أعاد «آلہتہم الأسیرۃ» بعد سنین کثیرۃ۔

بلکہ اس کی جڑوں کی ایک شاخ میں سے ایک شخص اس کے مقام پر کھڑا ہوگا، جو لشکر کے ساتھ آئے گا، اور شمال کے بادشاہ کے قلعہ میں داخل ہوگا، اور ان کے خلاف کارروائی کرے گا، اور غالب آئے گا؛ اور وہ ان کے معبودوں کو بھی، ان کے امراء کے ساتھ، اور چاندی اور سونے کے ان کے قیمتی برتنوں سمیت، اسیر کرکے مصر لے جائے گا؛ اور وہ شمال کے بادشاہ سے زیادہ برسوں تک قائم رہے گا۔ دانی ایل 11:7، 8۔

جب نپولین نے 1798 میں پوپ کو قید کیا، تو اُس نے ویٹیکن کے خزانے لوٹ لیے اور اُنہیں فرانس واپس لے گیا، جیسا کہ بطليموس سوم کی مثال میں ظاہر ہوتا ہے، جس نے خزانے بھی لے لیے اور سلوکوس دوم کو بھی مصر واپس لے گیا، جہاں سلوکوس دوم گھوڑے سے گر کر مر گیا۔ یہ اس بات کی تمثیل تھا کہ نپولین نے 1798 میں پاپائیت کو درندے سے جدا کر دیا، اور 1799 میں پوپ کی موت واقع ہوئی۔ مکاشفہ سترہ میں پاپائیت وہ عورت ہے جو درندے پر سوار ہے، اور سلوکوس کی شکست، اس کی اسیری، اور بعد ازاں گھوڑے سے گر کر اس کی موت، اس بات کی تمثیل ہے کہ نپولین نے پاپائیت کے شہری اقتدار کو ہٹا دیا (جسے مکاشفہ سترہ میں ایک درندے کے طور پر پیش کیا گیا ہے)۔

پس او مرا در روح بہ بیابان برد؛ و زنی را دیدم کہ بر حیوانی بہ رنگ ارغوانی نشستہ بود، حیوانی آکنده از نامہای کفر آمیز، و دارای ہفت سر و دہ شاخ۔ ... و فرشتہ بہ من گفت: چرا در شگفت شدی؟ من راز زن و راز آن حیوانی را کہ او را حمل می کند و ہفت سر و دہ شاخ دارد، برای تو بیان خواہم کرد۔ ... و آن زنی کہ دیدی، همان شہر بزرگ است کہ بر پادشاہان زمین سلطنت می کند۔ مکاشفہ ۱۷:۳، ۷، ۱۸۔

پانچویں سے نویں آیت تک باب گیارہ میں شمال اور جنوب کے بادشاہ کے درمیان جنگ کا تعارف پیش کرتی ہیں۔ پانچویں آیت روم کو شمال کے بادشاہ کے طور پر بنیاد فراہم کرتی ہے، کیونکہ یہ شناخت کرتی ہے کہ شمال کا بادشاہ اعلیٰ اقتدار قائم کرنے سے پہلے تین جغرافیائی علاقوں کو فتح کرے گا۔ یہ آیات وہ نبوی ساخت فراہم کرتی ہیں جو ایک ایسے زمانے کو پیش کرتی ہے جب شمال کا بادشاہ حکمرانی کرتا ہے مگر اپنے انجام کو پہنچتا ہے۔ یہی دراصل باب گیارہ کا بنیادی مقدمہ اور وعدہ ہے۔ اس سلسلہٴ بیان کا موضوع شمال کے پاپائی بادشاہ کا جان لیوا زخم ہے، یا جیسا کہ پینتالیسویں آیت بیان کرتی ہے، ”وہ اپنے انجام کو پہنچے گا، اور اس کی مدد کرنے والا کوئی نہ ہوگا۔“ یہ سچائی آخری ایام میں حال کی سچائی ہے۔

ما این بحث را در مقالہ بعدی ادامہ خواہیم داد۔